کتاب

رونمایی از نخستین رمان احمد عزیزی در سالگرد درگذشتش

مراسم سالگرد درگذشت زنده‌یاد احمد عزیزی در کرمانشاه برگزار می‌شود. در این مراسم از نخستین رمان او رونمایی خواهد شد. به گزارش تسنیم، زینب عزیزی، خواهر زنده‌یاد احمد عزیزی از برگزاری مراسم سالگرد این شاعر همزمان با سالروز درگذشت او خبر داد و گفت: قرار است این مراسم روز شانزدهم اسفندماه، به کوشش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمانشاه، سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه هنری برگزار شود. در این مراسم از ۳ اثر تازه‌منتشر شده از زنده‌یاد احمد عزیزی رونمایی خواهد شد. «شون میلکان» از جمله این آثار است که نخستین‌مجموعه سروده‌های کردی احمد عزیزی محسوب می‌شود. «شون میلکان» به معنای بقایای خاکستر و... چادرنشینان است که هنگام کوچ از آنها باقی می‌ماند و نشان می‌دهد در این منطقه افرادی زندگی می‌کرده‌اند. خواندن این اثر به دلیل استفاده از واژگان اصیل کردی، برای کردزبان‌ها لذتبخش خواهد بود. زنده‌یاد احمد عزیزی از شاعران تأثیرگذار پس از انقلاب بود که بیشتر به ایجاد سبک جدید در مثنوی و شطحیات معروف است. از او آثار متعددی به یادگار مانده که از این جمله می‌توان به «کفش‌های مکاشفه»، «شرجی آواز»، «خوابنامه و باغ تناسخ»، «ترجمه زخم»، «باران پروانه» و «رودخانه رؤیا» اشاره کرد. عزیزی سال گذشته پس از تحمل ۹ سال بیماری، در روز ۱۶ اسفندماه سال ۱۳۹۵ دارفانی را وداع گفت.

تلویزیون

تلویزیون ضعف خود را گردن فضای مجازی می‌اندازد!

کامیار اسماعیلی، مجری و برنامه‌ساز به نقد و تحلیل وضعیت برنامه‌سازی در تلویزیون پرداخت و تاکید کرد مدیران باید درباره وضعیت این رسانه پاسخ دهند. به گزارش مهر، کامیار اسماعیلی، مجری برنامه «نیمرخ» درباره وضعیت برنامه‌های تلویزیونی و کم شدن استقبال مردم گفت: وقتی مجموعه‌ای دچار ناکارآمدی می‌شود اول باید به دنبال مدیران آن مجموعه رفت و دید آنها چه سیاست‌هایی داشته‌اند که به این نتیجه منجر شده است. اینکه ما متر و معیار را از روی مدیران برداریم و سراغ دیگران برویم یک خطای استراتژیک است چون در اصل باید دید مدیر مجموعه چطور عمل کرده است. اسماعیلی با اشاره به اینکه فضای مجازی تبدیل به یک بهانه شده است، عنوان کرد: بسیاری از برنامه‌سازان و مدیران همه چیز را گردن فضای مجازی می‌اندازند و اینگونه مطرح می‌کنند که چون فضای مجازی رشد کرده است آنها دچار مشکل شده‌اند. ده‌ها و صدها برنامه‌ساز و هنرمند هستند که می‌توانند به ساخت برنامه‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی کمک کنند اما تلویزیون در استفاده از این عزیزان ناکارآمد است. وقتی می‌بینیم بعد از سال‌ها مدیری در سازمان در راس شبکه‌ای مشغول به کار می‌شود که تا به حال برنامه‌سازی نکرده، دیگر نمی‌توانیم از آن شبکه انتظار برنامه‌سازی داشته باشیم. برنامه‌سازی، هنر و تجربه است و باید هنرمند و مجرب باشید. وی درباره نبود برنامه‌های تخصصی برای نوجوانان بیان کرد: من وضعیت تلویزیون را در حوزه نوجوانان و کلا برنامه‌سازی خوب نمی‌بینم و تلویزیون در حوزه برنامه‌های ترکیبی نیز کارآمد نیست.

سینمای جهان

تازه‌ترین گزینه کارگردانی جیمز باند ۲۵

پس از آنکه کریستوفر نولان، کارگردان پرآوازه سینمای جهان از جمع گزینه‌های احتمالی کارگردانی جیمز باند ۲۵ کنار رفته، نام کارگردان فیلم ۱۲۷ ساعت به عنوان کارگردان جیمز باند بعدی مطرح شده است. به گزارش تسنیم، در حالی که قرار است در نوامبر ۲۰۱۹ بیست‌وپنجمین جیمز باند اکران شود، هنوز مشخص نیست کدام کارگردان جایگزین سم مندز می‌شود. نام‌هایی چون کریستوفر نولان مطرح شده است که مدیریت پروژه بعدی دنیل کریگ را رد کرده است. ورایتی نام غافلگیرکننده‌ای برای این تریلر جاسوسی گزارش کرده است که همانا دنی بویل است. نشریات مدعی شده‌اند استودیو متروگلدوین‌مایر و ایون به عقد قرارداد با بویل برای پروژه باند مشتاق هستند. یان دمنج نیز از گزینه‌های مطرح برای این قسمت از باند بوده است. بویل اخیراً کارگردانی سریال Trust را به پایان رسانده است. باند بعدی را نیز دنیل کریگ بازی می‌کند.

عکس: کامیار خطیبی، وطن امروز

گفت‌وگوی «وطن امروز» با محمدرضا شهبازی نویسنده کتاب «لانگ‌شوت»

مصائب طنازان انقلابی

■ جدی نگرفتن طنز از بی‌سوادی است

■ همه می‌خواهند به سرعت از طنز میوه بچینند!

■ تربیت طنزپرداز رسانه می‌خواهد

احسان سالمی: هر بار که موضوع طنزنویسی مطرح می‌شود، اگر ذهن‌مان به‌سوی مسائل سیاسی نرود بی‌شک یقین داریم که سوژه طنز به معضلات اجتماعی بازمی‌گردد. در این میان، محمدرضا شهبازی جزو معدود نویسندگانی است که راهی دیگر در پیش گرفته است. او حوزه فرهنگ را برای طنزنویسی برگزیده است؛ حوزه‌ای که انبوهی از شبه‌روشنفکران با نظرات شاذ و ژست مضحکانه، انباشتی از سوژه‌های طنز را برای نویسندگان فراهم می‌آورند و خلأ یک طنزنویس، این قشر را همچنان خودجدی‌پندار نگاه داشته است! شهبازی که سال‌هاست در عرصه طنز قلم می‌زند و این روزها مسؤولیت مدیریت باشگاه طنز انقلاب اسلامی را برعهده دارد، مدتی هست که «لانگ‌شوت» را به بازار نشر فرستاده است. «لانگ‌شوت» مجموعه طنزهایی است که درباره سینمای ایران و فیلم‌های مستعد شوخی کردن نوشته شده است. به بهانه انتشار «لانگ‌شوت» و استقبال از آن به گفت‌وگو با او نشستیم تا درباره این کتاب و وضعیت امروز طنزنویسی در جریان انقلابی، صحبت کنیم.

***

■ چه شد که محمدرضا شهبازی تصمیم گرفت با وجود اینکه معمولاً سوژه‌های فرهنگی سهم کمی از طنزنویسی در کشورمان دارد، چند اثر سینمایی را دستمایه نوشتن یک کتاب طنز کند؟

چون من روزنامه‌نگار فرهنگی بودم و بیشتر در حوزه کتاب و تلویزیون فعالیت داشتم، از همان ابتدا طنزهایی که می‌نوشتم عموما سوژه‌هایی فرهنگی داشت. از طرف دیگر چند سالی هم می‌شد که در زمان برگزاری جشنواره فیلم فجر، درباره فیلم‌هایی که در جشنواره می‌دیدم طنزهایی را می‌نوشتم که در برخی از رسانه‌ها منتشر می‌شد. منظور آنکه این سابقه برای بنده وجود داشت. ولی در ارتباط با اینکه چطور شد تصمیم گرفتم کتابی در این حوزه بنویسم، باید همان‌گونه که در مقدمه کتاب هم نوشته‌ام، عرض کنم به نظرم همیشه یکسری از فیلم‌ها یا جریانات سینمایی هستند که بیش از حد خودشان را جدی می‌گیرند و بیشتر به درد هجو کردن می‌خورند تا برخورد جدی! مثلا خیلی از فیلم‌ها هستند که مردم واقعا در سینما به آنها می‌خندند ولی شما می‌بینید بعضی از منتقدان به شکلی از این آثار تعریف می‌کنند که آدم با خودش می‌گوید نکند من فیلم دیگری را دیده بودم و مردم در سینما به چیز دیگری می‌خندیدند! خلاصه آنکه براساس همین سابقه و البته ضرورتی که احساس می‌شد، سراغ تالیف این کتاب رفتم.

■ انتخاب کارگردان‌ها و فیلم‌هایی که برای آنها طنز نوشتید، براساس چه منطقی بود و بیشتر چه نکته‌ای در انتخاب یک فیلم از یک کارگردان اهمیت داشت که بخواهید برای آن طنز بنویسید؟ چون مواردی هست که ممکن است مخاطب بگوید چرا مثلا به فلان فیلمساز نپرداختید یا اینکه مثلاً فلان فیلم این فیلمساز اهمیت بیشتری در کارنامه کاری او داشته ولی شما به یکی دیگر از فیلم‌های او پرداخته‌اید.

در ابتدای کار فهرستی شامل ۵۰ تا ۶۰ مورد از فیلم‌هایی را که به نظرم قابلیت پرداخت داشتند و از زوایایی مثل کارگردانی، ژانر یا بحث‌های رسانه‌ای، فیلم‌های مهمی هم محسوب می‌شدند آماده کردیم و به مرور این موارد را غربال کردیم تا در نهایت به این ۱۱ فیلم رسیدیم، البته بخشی از این انتخاب‌ها هم بستگی به سلیقه افراد و تفاوت‌های آنها دارد. مثلا من الان می‌دانم که در این کتاب جای فیلمسازانی مثل مانی حقیقی خالی است چون برای مثال همین فیلم آخری که از او اکران شد، یعنی «ژدها وارد می‌شود»، خودش پتانسیل این را داشت که نه یک متن طنز بلکه یک کتاب طنز درباره آن نوشته شود! یکی دیگر از دلایل این موضوع، طولانی شدن روند تالیف کتاب بود که ۳-۲ سال طول کشید و باید بالاخره در یک‌جایی تمامش می‌کردم. مثلا من از میان فیلم‌های اصغر فرهادی برای فیلم «گذشته» طنز نوشته بودم ولی بعد از آن آنقدر کار طول کشید که فیلم جدیدش اکران شد و من به جای آن برای «فروشنده» طنز نوشتم. البته این نکته هم وجود دارد که باید خود فیلم‌ها هم «طنزخور» باشند؛ یعنی باید پتانسیل نوشتن طنز در ارتباط با آن فیلم وجود داشته باشد. مثلا شاید کسی بگوید رسول صدرعاملی فیلم‌های مهم‌تری هم دارد، ولی چرا ما «زندگی با چشمان بسته» را برای نوشتن طنز در این کتاب انتخاب کردیم؟ خب! یکی از اصلی‌ترین دلایل این انتخاب این است که در این فیلم یکی از بحث‌ها و ارزش‌های شبه‌روشنفکران سینما، یعنی همان «قضاوت‌نکردن» دستمایه تولید اثر قرار گرفته بود و من هم چون می‌خواستم درباره این کلیشه سینمای ایران طنز بنویسم، آن را انتخاب کردم یا فیلمی مثل «بی‌خود و بی‌جهت» را از آن جهت انتخاب کردم که در زمان اکرانش توسط ماهنامه «فیلم» به عنوان بهترین فیلم آن جریان [منظور جریان شبه‌روشنفکری] انتخاب شد و از این جهت قابل تامل و توجه بود یا مثال‌های دیگری که در ارتباط با سایر آثار و کارگردان‌ها وجود دارد. نمی‌شود گفت اینها فیلم‌های مهم‌ترین کارگردان‌های سینمای ایران هستند همچنین نمی‌توان گفت این فیلم‌ها، مهم‌ترین فیلم‌های سینمای ایران هستند؛ خیر، اینطور نیست.

■ یکی از بخش‌های کتاب که به نظرم شاید به‌خاطر اشارات فرامتنی زیادی که دارد، خیلی برای مخاطب عام که اطلاعات کمتری از سینما دارد، چندان جذاب نباشد، بخش «پشتوانه نظری فیلم» است. شما خودتان بازخوردی از کتاب و ضعف‌ها و قوت‌های مختلف آن داشته‌اید؟

بازخوردها درباره بخش‌های مختلف کتاب متفاوت است. اتفاقا چند نفر از بچه‌های سینمایی رسانه‌ها همین بخش کتاب را بیشتر از بخش‌های دیگر آن پسندیدند. ولی در ارتباط با اینکه چرا من این بخش را در کتاب قرار دادم دلیلش این بود که می‌خواستم کل کتاب صرفا منحصر به همان فیلم‌ها نشود و اگر کسی آن فیلم‌ها را ندیده بود، او هم بتواند از این کتاب استفاده کند، ضمن اینکه من این بخش را در جشنواره فجر سال قبل و در یکی از نشریاتی که به شکل روزانه برای جشنواره منتشر می‌شد، امتحان کردم که بازخوردهای آن هم خوب بود. برای همین این بخش را به کتاب هم اضافه کردم، البته واقعیت آن است که بالاخره مخاطب این کتاب باید آشنایی نسبی با سینما و موضوعات سینمایی داشته باشد و اینگونه نیست که همه مخاطبان یا علاقه‌مندان به طنز بتوانند با چنین اثری ارتباط برقرار کنند.

■ «لانگ‌شوت» نسخه دوم هم دارد؛ اثری که در آن مثلاً به نقد طنز آثار تلویزیونی یا سینمای جهان بپردازید؟

شاید اگر استقبال از همین نسخه خوب باشد، وسوسه شوم و سراغ نوشتن نسخه دوم آن هم بروم ولی فعلا برنامه‌ای برای این کار ندارم اما به طور کلی نقد محصولات فرهنگی و هنری و محصولات و آثار و تولیدکنندگان این حوزه همیشه جزو دغدغه‌های من بوده و هست. بویژه آنکه افرادی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، همیشه می‌گویند باید اجازه داد که همه چیز را بدون محدودیت نقد کرد و به نظرم نقد خود این افراد و تولیدات‌شان می‌تواند خیلی جالب باشد.

> **متاسفانه مسؤولان و مدیران فرهنگی و رسانه‌ای ما هنوز نمی‌دانند طنز چقدر اهمیت دارد و حتی بعضی از آنها هنوز طنز را به عنوان یک موضوع مضحک نگاه می‌کنند و صرفا اینکه به آن باکسی بدهیم و به عنوان ویترین در گوشه‌ای از رسانه‌مان آن را داشته باشیم، طنز را در نظر می‌گیرند. این یعنی اگر یک روز مطلب طنز برای آن رسانه نرسد، دغدغه‌ای هم برایش ندارند اما اگر یک روز صفحه سیاسی آنها خالی باشد، حتما دغدغه پیدا می‌کنند!**

■ کمی هم درباره فضای طنز انقلاب صحبت کنیم. شما به عنوان یکی از چهره‌های شاخص طنز انقلاب اسلامی فکر می‌کنید چرا طنز هنوز بین حزب‌اللهی‌ها و نیروهای انقلابی به نسبت جریان مقابل، آنچنان جا نیفتاده است؟ حتی در رسانه‌های ۲ جریان هم این تفاوت نگاه را به وضوح می‌توان دید و به نظر می‌رسد بخش نخبگانی این جریان نیز هنوز به طنز نگاهی چندان جدی ندارد.

برای این موضوع عوامل مختلفی وجود دارد. یک دلیلش واقعا کم‌سوادی و بی‌سوادی است. متاسفانه مسؤولان و مدیران فرهنگی و رسانه‌ای ما هنوز نمی‌دانند طنز چقدر اهمیت دارد و حتی بعضی از آنها هنوز طنز را به عنوان یک موضوع مضحک نگاه می‌کنند و صرفا اینکه به آن باکسی بدهیم و به عنوان ویترین در گوشه‌ای از رسانه‌مان آن را داشته باشیم، طنز را در نظر می‌گیرند. این یعنی اگر یک روز مطلب طنز برای آن رسانه نرسد، دغدغه‌ای هم برایش ندارند اما اگر یک روز صفحه سیاسی آنها خالی باشد، حتما دغدغه پیدا می‌کنند!

یک بخش این اتفاق هم به خاطر دردسرهای بیشتر طنز نسبت به حوزه‌های دیگر است. چون وقتی شما می‌توانی مقاله جدی بنویسی و به دور از حاشیه، خود را به عنوان یک انسان متفکر نشان دهی، چرا باید بروی سراغ طنز که خیلی‌ها بخواهند آن را به شکل دلقک‌بازی ببینند و از آن طرف هم ممکن است باعث ایجاد سوءتفاهم شود و برایت دردسر درست کند. از طرف دیگر، معمولا شما وقت‌هایی سراغ طنز می‌روید که احساس کنید نمی‌توانید حرف‌تان را به شکل جدی بزنید ولی وقتی همیشه تریبون داشته باشید که حرف‌تان را به شکل جدی مطرح کنید، دیگر دنبال کنایه و بیان غیرمستقیم حرف‌ها نمی‌روید. اما بعضی جریان‌ها که نمی‌خواستند مستقیم بعضی حرف‌ها را بزنند، ناگزیر دنبال طنز رفتند.

مشکل بعدی هم این است که الان که مثلا مسؤولان به طنز روی آورده‌اند، هنوز این فهم را ندارند که چگونه باید هنرمند طنزپرداز تربیت کنند. برای مثال آن‌قدر مراجعه به ما هست که می‌گویند بیایید استندآپ اجرا کنید؛ بیایید انیمیشن طنز بسازید و... اما رسانه‌هایی این را از ما می‌خواهند که خودشان حتی یک ستون طنز در روزنامه یا یک بخش ثابت طنز در سایت و رسانه خود ندارند و متوجه این موضوع نمی‌شوند که اساسا از طریق همین بخش‌های ثابت که به شکل مداوم و پیوسته در حوزه طنز فعالیت می‌کنند، می‌توان استعدادهای جدید حوزه طنز را کشف و تربیت کرد. کما اینکه اغلب چهره‌های موفقی که در تلویزیون یا سینما در حوزه طنز فعالیت می‌کنند، سابقه طنز مطبوعاتی دارند. درواقع مشکل اساسی ما این است که حالا هم که کمی به طنز توجه شده، همه به سرعت می‌خواهند میوه آن را بچینند و کسی نمی‌گوید من در رسانه خودم یک بخش ثابت طنز ایجاد کنم تا از بین این آدم‌های جدید افراد بااستعداد را پیدا کنیم. حتی سازمان‌هایی که بخش ویژه طنز دارند دیگر خیلی به فکر تربیت نیروهای جدید نیستند.

■ شما که خودتان مسؤولیت باشگاه طنز انقلاب اسلامی را برعهده دارید، چقدر به بحث تربیت نیرو توجه کرده‌اید؟

ما از ابتدا که باشگاه طنز انقلاب راه افتاد، گفتیم باید در کنار آن برای اعضا فعالیت رسانه‌ای هم تعریف کنیم. این تصمیم ۲ دلیل داشت؛ اول اینکه برخی از نهادهای طنز انقلابی سال‌هاست به صورت هفتگی مثلا مکتبخانه طنز، کارگاه، جلسه و... دارند ولی خروجی آنها کم است، چون بسیاری از این افراد پس از اتمام آموزش رها می‌شوند و دیگر بستری برای فعالیت‌شان مهیا نمی‌شود. پس باید برای این افراد یک رسانه ولو در حد یک کانال تلگرامی فراهم بشود تا بتوانند کارهایی را که تولید می‌کنند در آن منتشر کنند تا خروجی کارشان دیده شود و برای ادامه کار انرژی بگیرند. دلیل دیگر هم اینکه اگر واقعا قرار است این کار تبدیل به یک حرکت جریان‌ساز شود، نیاز به یک رسانه برای انتشار تولیداتش دارد که بتواند مخاطب عام را هم با خودش همراه کند. این اتفاق الان با راه افتادن مجله «راه راه» و صفحه طنز هفتگی در روزنامه‌هایی مثل «وطن‌امروز» تا حدودی در حال انجام است. ما در این ۲ سالی که باشگاه طنز انقلاب اسلامی کار خودش را آغاز کرده، نزدیک به ۱۰۰ نفر عضو داشتیم که می‌توان گفت حداقل ۱۵ نفر از آنها در حال حاضر به معنی واقعی کلمه درگیر طنزپردازی و تولید مطلب هستند که البته اگر رسانه‌های بیشتری پای کار بیایند، مطمئنا اثرگذاری فعالیت این جمع نیز بیشتر می‌شود.

■ شب طنزهای «نطنز» را هم با همین فلسفه راه انداختید؟ این برنامه قرار است تبدیل به یک برنامه ثابت بشود؟

بله! برنامه ما این بود که این برنامه به شکل ماهانه و در یک روز ثابت برگزار شود. اما بعضی از ضرورت‌ها و محدودیت‌ها باعث شد ما گاهی مجبور شویم برنامه‌مان را عوض کنیم. مثلا همین اغتشاشات اخیر دی‌ماه وقتی ایجاد شد، ما تصمیم گرفتیم سریعا یک برنامه «نطنز» برگزار کنیم تا در قالب طنز واکنشی نسبت به این اتفاقات داشته باشیم، البته کمی طول می‌کشد تا این برنامه روال ثابتی پیدا کند ولی به امید خدا می‌خواهیم این برنامه را در تهران به صورت منظم برگزار کنیم و هر چند وقت یک‌بار هم در شهرهای مختلف آن را برگزار کنیم تا کم‌کم هسته طنز انقلابی در آن شهرها هم شکل بگیرد.

■ باشگاه طنز انقلاب، در شهرستان‌ها هم دوره آموزشی دارد؟

بله! برای مثال ما در خرم‌آباد و مشهد و رشت با همکاری مجموعه‌هایی مثل سازمان سراج دوره برگزار کردیم و بچه‌های این دوره‌ها که آموزش می‌بینند به جمع بچه‌های باشگاه اضافه می‌شوند. همین الان ما در باشگاه طنز از گناوه، بوشهر، اهواز، دزفول، ماکو، مشهد، رشت، یزد، کرمان و شهر بابک عضو داریم و هم خیلی متنوع هستند.

■ چرا اغلب طنزهای ما بویژه در فضای رسانه‌ای آن، حول مسائل سیاسی است؟

به همان دلیل که اغلب تیتر یک رسانه‌های ما سیاسی است! چون همان‌گونه که گفتم ما می‌خواهیم از هر چیزی سریع برداشت کنیم و میوه بچینیم و کاری به زمینه‌ها و ریشه‌های آن نداریم. برای همین هم هست که کسانی که در این سال‌ها به طنز توجه کردند و در رسانه خود برای طنز جایی را ایجاد کردند، بیشتر به طنزهای سیاسی بها دادند و طنزپردازان نیز ناخودآگاه برای اینکه کارشان بیشتر دیده شود، به سمت طنزهای سیاسی سوق پیدا کردند. البته نکته‌ای را هم اینجا باید عنوان کنم و هم آن این است که جریان مقابل و معارض انقلاب معمولا برای منکوب کردن طنزپردازان حزب‌اللهی همیشه از این انگ استفاده می‌کند که شما طنزنویس سیاسی هستید و فقط سیاسی‌کاری می‌کنید، در حالی که خود آنها نسبت به سطحی‌ترین لایه‌های سیاست هم واکنش نشان می‌دهند ولی توانسته‌اند فضایی را ایجاد کنند که بگویند ما به موضوعات غیرسیاسی هم می‌پردازیم، البته در این چند وقت اخیر خدا را شکر، بچه‌های انقلابی هم سعی کردند بدون ترس از چنین انگ‌هایی کار خودشان را انجام بدهند و در کنار آن درباره موضوعات غیرسیاسی هم طنز بنویسند. مثلا خود ما یک شماره کامل از مجله «راه‌راه» را به طنزهایی درباره کتاب و کتابخوانی و فضای نشر اختصاص دادیم که همزمان با نمایشگاه کتاب هم منتشر شد.

> **به نظرم جریان شبه‌روشنفکری و ضدانقلاب دیگر چیزی برای گفتن ندارد؛ چه در مضمون، چه در قالب. ولی به جریان طنز انقلابی نگاه کنید؛ مثلا همین «دکتر سلام» که هم برنامه‌اش، هم کانالش و هم جشنی که سالانه می‌گیرد تا چه اندازه مخاطب دارد. مخاطبی چند هزار نفری که خیلی از آنها از شهرستان برای حضور در جشن دکتر سلام حضور پیدا می‌کنند ولی شبه‌روشنفکران یک جشن «چهل‌چراغ» را دارند که به شکل محدود و محفلی برگزار می‌شود.**

■ فکر می‌کنید جبهه انقلاب در سال‌های آینده بتواند شاهد حضور چند چهره جدید و بااستعداد در حوزه طنز مثل محمدرضا شهبازی باشد؟

حتما! چون به نظرم جریان شبه‌روشنفکری و ضدانقلاب دیگر چیزی برای گفتن ندارد؛ چه در مضمون، چه در قالب. مگر آنکه بخواهند با افزایش کمیت مدتی اثرگذار باشند ولی در طرف جریان طنز انقلابی نگاه کنید؛ مثلا همین «دکتر سلام» که هم برنامه‌اش، هم کانالش و هم جشنی که سالانه می‌گیرد تا چه اندازه مخاطب دارد. مخاطبی چند هزار نفری که خیلی از آنها از شهرستان برای حضور در جشن دکتر سلام حضور پیدا می‌کنند ولی شبه‌روشنفکران یک جشن «چهل‌چراغ» را دارند که به شکل محدود و محفلی برگزار می‌شود. مثال دیگر این موضوع رشد حضور بچه‌های انقلابی در عرصه طنزهای در شبکه‌های اجتماعی و تلگرام است که اتفاقا بازتاب بسیاری هم دارد و خدا را شکر بچه‌های انقلابی در این سال‌ها از نظر مضمونی هم در حال رشد هستند و جریان طنز انقلابی یکسری خودسانسوری‌های الکی و قبیله‌گرایی را کنار گذاشته است و سعی می‌کند خیلی عدالت‌طلبانه، منطقی و بر اساس آرمان انقلابی پیش برود.

یادداشت

به بهانه آغاز به کار کانال «آی‌فیلم ۲»

قرن‌ها پارسی‌سرایی و ابزارهای رسانه‌ای نزدیکی ملت‌ها

حسام آبنوس: رودکی، فردوسی، خیام، مولوی، عطار و... مشاهیری هستند که در تاریخ ادبیات زبان فارسی همواره سرآمد بوده و شک و شبهه‌ای در رفعت جایگاه فرهنگی و ادبی آنها نیست. شخصیت‌هایی بسیار مشهور نظیر رودکی، فردوسی و... توانسته‌اند در گستره فرهنگی ایران بزرگ و برقرار کردن پیوند میان فارسی‌زبانان نقش‌آفرینی کنند. این قدرتی است برای شعر و ادبیات غنی زبان فارسی که به عنوان یک رسانه همواره کارآمد در طول اعصار مختلف توانسته به نزدیک شدن مردم به هم کمک و ملل مختلف را به درک و تفاهم مشترک نزدیک کند. در واقع تمام این شخصیت‌ها با وجود تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی امروز که کشورهای جدیدی ایجاد کرده همچنان مورد احترام هستند و نام شخصیت‌های مختلف و شاعران بلندآوازه زبان فارسی که به میان آید همه با احترام از آنان یاد می‌کنند. باز هم نباید فراموش کرد که شخصیت‌های فرهنگی با ابزار شعر (رسانه‌ای همیشه مسلم) همواره به برقراری گفت‌وگوی میان ملت‌ها دست زده‌اند. در روزگار کنونی که روزگار رسانه‌های نوین است می‌توان با بهره‌گیری از توانایی آنها به نزدیک شدن ذهن و زبان ملت‌ها دست یافت. حالا معاونت برون‌مرزی رسانه ملی در اقدامی فرهنگی راه‌اندازی کانال «آی‌فیلم ۲» را در میان مجموعه کانال‌های شبکه‌ای فیلم در دستور کار خود قرار داده تا قدمی دیگر در ایجاد الفت میان ملت‌ها برداشته و از این رهگذر پیشینه و تاریخ مشترک میان اقوام را یادآوری و به بالندگی و تبلور عینی این فرهنگ والا در عصر بی‌فرهنگی کمک کند. این کانال جدید می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای و کارشناسان در ایجاد پارادایم فکری مشترک میان مخاطبان خود نقش‌آفرینی مثبت داشته باشد. این در حالی است که رسانه‌های غربی-عربی جز به ایجاد تفرقه و نفاق نمی‌اندیشند و هیچ علاقه‌ای به نزدیک شدن قلوب ملت‌های فارسی‌زبان ندارند. به این معنا که آنها همواره نفع‌شان در دور شدن این اقوام از همدیگر است و برای دستیابی به این نتیجه از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند. «آی‌فیلم ۲» با تاکید بر زبان فارسی راه‌اندازی می‌شود و مخاطبان فارسی‌زبان کشورهای منطقه را در بر می‌گیرد و از این منظر می‌طلبد که با برنامه‌ریزی دقیق و درست نسبت به تولید و پخش برنامه‌هایی که با اقلیم و آداب و رسوم این کشورها همخوانی دارد، نسبت به معرفی این شبکه اقدام شود. توجه به ویژگی‌های بومی و اقلیمی در کنار ضریب دادن به سلیقه مخاطب در تولیدات تلویزیونی می‌تواند در پدیدآوری یک رویداد مهم رسانه‌ای در عصر دیپلماسی فرهنگی موثر باشد. از این حیث باید راه‌اندازی این شبکه برون‌مرزی فارسی‌زبان را به فال نیک گرفت که در آستانه دهه پنجم انقلاب اسلامی در نظر دارد با زبان رسانه آن هم از منظر سرگرمی و تولیدات فرهنگی آن هم در یکی از جذاب‌ترین ساختارهای تولید تصویری یعنی فیلم و سریال، با مخاطب خود باب سخن گفتن را باز کند. در نهایت آنکه این شبکه اثر بسیار مثبتی در بازنمایی چهره جمهوری اسلامی ایران و مردم آن در میان دیگر فارسی‌زبانان و سهم بسزایی در گسترش فضای فکری انقلاب اسلامی دارد و پیشبرد اهداف آن، به گسترش و نشر هر چه بیشتر مظاهر و جلوه‌های زندگی ایرانی-اسلامی در ابعاد متناسب با این بخش ارزشمند از مخاطبان بالقوه شبکه‌های برون مرزی یعنی فارسی زبانان منطقه و بویژه مردم افغانستان و تاجیکستان کمک می‌کند که بهره‌گیری از رسانه شعر و ادبیات متعالی فارسی می‌تواند یکی از ابزارهای مهم آن به شمار رود.

رویداد

رسوایی جنسی بزرگ هالیوود نمایشنامه شد!

«دیوید مامت» نمایشنامه‌نویس برنده جایزه پولیتزر نمایشنامه‌ای با عنوان «گندم تلخ» درباره رسوایی‌های جنسی «هاروی واینستین» غول سینمای هالیوود نوشته است. به گزارش فارس به نقل از گاردین، دیوید مامت، نمایشنامه‌نویس برنده جایزه پولیتزر نمایشنامه‌ای با عنوان «گندم تلخ» درباره رسوایی‌های جنسی هاروی واینستین، غول سینمای هالیوود نوشته است. وی درباره نوشتن این نمایشنامه گفت: در حال صحبت با تهیه‌کننده آثارم در تئاتر برادوی بودم که پرسید چرا یک نمایشنامه درباره هاروی واینستین نمی‌نویسی؟ و من نوشتم. هنوز جزئیاتی از این نمایشنامه که قرار است در تئاتر برادوی به نمایش درآید منتشر نشده لیکن در مرحله انتخاب هنرپیشه نقش اصلی است. این نویسنده برنده جایزه پولیتزر قبلا نیز در سال ۱۹۹۲ نمایشنامه‌ای با نام «اولینا» و درباره اتهامات جنسی وی نوشت که در تئاتر برادوی به نمایش درآمد.